داکتر خلیل الله هاشمیان
۲۰۱۶/۱۲/۲۲

اگرانتقاد سالم را عمل شیطانی بخوانیم

پس امرالله(ج) که از" حق نگذرید" را چه جواب بگوئیم ؟

یا ایها الذین ءامنوکونوا قوامین بالقسط شهداءلله ولوعلی انفسکم اوالوالدین و الاقربین (سورۀ النساء، آیه 135)
ترجمه: ای مومنان عدالت ودادگری پیشه کنید ودراقامۀ عدل ودادگری مواظب باشید وبخاطر الله شهادت دهید، ولوزیان خودتان یا پدرومادر وخویشاوندان تان باشد.
از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیده شد: بهترین جهاد کدام است ؟ فرمودند: " کلمۀ حق عند سلطان جائر "
ترجمه: کلمه (سخن) حق نزد سلطان ظالم.
از دعاهای منقول یکی اینست : الهم اءرناالحق حقا وارزقنا اتباعه واءرنا الباطل باطلا و ارزقنا اجتنابه .
ترجمه: الهی حق رابماحق بنما (نمایان کن) وپیروی ازآنرا نصیب مابفرما و باطل را بما باطل نمایان کن واجتناب از آنرا نصیب ما بفرما.
ما درفرهنگی زندگی کرده ایم که در یکقرن گذشته پادشاه وصدراعظم هرکدام به نوبۀ خود، برای خود قدرت خدایی قایل بودند: مثلا یک مردنامدار را باتعهد قران از اروپا خواستند وازخانه اش درکابل به ارگ احضار وبزیرقندغ تفنگ کشتند، همه افراد مردانۀ آن خاندان که هرکدام قبلا نایب سالار، سفیریاوزیربودند ، محبوس وبعدا اعدام شدند، همه زنها واطفال آن خاندان برای مدت 25 سال دربندیخانه های تاریک ونمناک انداخته شدند – این همه ظلم وناروا بخاطر اینکه آن شخص جانشین سلطنت نشود! سلطنتی که خودشان بطور غیر مشروع تصاحب کرده بودند. یکنفرازین خاندان حاکم به انتقام قتلهایش کشته شد، نه تنها قاتل، بلکه 17 نفر اقوام او، ازپدر وبرادروکاکا وماما وعموزاده ها گرفته تا مادر وخواهرش به فجیع ترین شکل کشته شدند- بخاطر حفظ سلطنت وقدرت، سران وخوانین نامدار ازولایات مشرقی، هرات وفراه، قطغن وبدخشان بمحبس تحویل، جایداد شان ضبط وعیال واطفال شان بمحابس تاریک ونمناک درکابل برای20 سال درتوقیف ماندند- این ظلم بخاطراینکه موجودیت وقدرت ناچیزمحلی آنها خطری به سلطنت تصور میشد – صدراعظم درحدود 50 نفرکسانیراکه قبلا باساس بغض شخصی این خاندان دربدترین شرایط محبوس ساخته بود، بعدازقتل برادرش، درحالیکه محبوسین با قتل برادرش هیچ ربط ودخلی نداشتند، بحیث قاتل برادرخود اعدام کرد و درحدود 200 نفر رابنام مظنون درسرتاسرافغانستان بزندان انداخت که نصف آنها نیز در زندانها جان دادند – این خاندان که باساس عنعنه وسلسلۀ نسب حق پادشاهی نداشت، توسط انگلیس بقدرت وسلطنت رسیدند وصدها افغان را که دشمن استعمارانگلیس بودند، بسفارش انگلیس وبرای خشنودی انگلیس سربه نیست کردند. وزیرها بمثابۀ نوکرهای شخصی شان بود؛ بیک نفر مدیرتحصیلیافتۀ امریکا که صدراعظم میخواست اوراوزیرمقررکند، گوتکهای سطرنج رانشان داده ، پیاده رابخانۀ وزیرشانده وگفته بود ببین که یک پیاده چطوروزیر میشود، وباز وزیرراتوسط فیل کُشته وگفته بود ببین که وزیرچطور از بین میرود. صدراعظم معاون خودرا که یک نایب سالارنیکنام و قبلا والی ووزیر ویک موسپید نیکنام بود به اتهام تحریک یک قوم محبوس واعدام او را ا زمجلس وزراء تصویب گرفت، اما هیچ سند و شهودی برای ثبوت این اتهام وجودنداشت. نظام دولت توسط یک سیستم استخباراتی (ضبط احوالات) اداره میشد؛ صدراعظم همکاران سابق ونوکران شخصی خود، اشخاص گمنام وکمسواد را درضبط احوالات مقررکرده بود ومملکت راهمین ضبط احوالات چیان اداره میکرد، وزیرها وجنرالان به رپوتچیهای ضبط احوالات ونوکرهای شخصی صدراعظم سلام واحترام میکردند- عوام افغانستان بطور عموم ودرهرخانه درتحت ذهنیت این ضرب المثل که "" دیوارها غار وغارها موش دارند"" زندگی میکردند. یک جنرال که شاعر وروشنفکربود ومنظومۀ انتقادی سروده بود ، ضبط احوالات آن منظومه را بصدراعظم رساند، آنگاه آن جنرال(مرحوم سیدحسن کُنری متخلص به شیون) را ازچوکی کارش که رئیس حربی دروزارت حربیه بود، بزندان دهمزنگ بردند ودرظرف یکهفته توسط پیچکاری شهید ساختند – صدراعظم باغها وزمینهای سرسبز وحاصلخیزدرولایات کابل، پروان، میدان، بهسود ومشرقی را ضبط وقبض یا بجبرو قیمت ناچیز بنام خود قباله گرفت – تجارت وفروش فیلمرغ وادویه را بسرمایۀ خودتوسط نوکران خود رایج ساخت– نوکران

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

شخصی اش هرکدام صاحب جایداد وملیونر شدند – صدراعظم واعضای خاندان شاهی دربانک ملی وفروش قره قل درخارج سهم عمده داشتند. صدر اعظم مدت 17 سال صدارت وهم سلطنت کرد وبا لقب (صدراعظم کبیر) سالهای متباقی عمر را درامریکا به استراحت بسر برد تا بمرد، واز آنهمه ثروت فقط یک کفن راباخود بقبربرد – ثروت و جایداد واملاکش به دوبردرزادۀ سکه اش بمیراث ماند. ظاهرشاه که بعدازشهادت پدر بعمر 19 سالگی پادشاه شده بود، و17 سال سلطنت خود را محض امضاء کردن فرامین صدراعظم کبیر گذشتانده بود، ازوفات کاکای مستبد نفسی براحت کشید وباراول توانست بدون یک تولی محافظ به پغمان و جلال آباد برود.

صدراعظم کبیرکه بهنگام شهادت برادرمهتر درولایات شمال بسفربود ودرغیاب او برادرزادۀ جوان درکابل پادشاه شده بود، ودرحالیکه خودرا مستحق سلطنت میشناخت، اما بخاطر پادشاه نشدن، بمقابل برادرزاده اندرخود عقده داشت، بنابران در دوران صدارت خود دو برادر زادۀ سکۀ خودرا که یکی تا صنف 8 ودیگری تا صنف 10 درفرانسه مکتب رفته بودند، پتکی میداد، یکی را برتبۀ جنرال درامور نظامی کل اختیار ودیگری را بحیث وزیرمعارف مقرر کرد- یکی از ابتکارات این وزیرمعارف این بود که تمام کتابها وتصاویری که درمدت ده سال قبل دردورۀ سلطنت یک پادشاه ترقیخواه درافغانستان طبع ونشر شده بود واینهمه آثار گرانبهارا دریک تحویلخانۀ وسیع دروزارت معارف انبارکرده بودند، امر داد که همه حریق شود، گویا تاریخ ده سالۀ مملکت سوختانده شد.

صدراعظم کبیر برادرزادۀ کلانتر را بحیث زعیم (لیدر) آیندۀ افغانستان تربیه کرده بود و روزی رسید که بعد ازوفاتش یک برادرزاده به چوکی صدارت نشست و دیگرش بحیث معاون صدراعظم مقررشد و مدت ده سال سرنوشت ملت و مملکت بدست آنها بود. والاحضرت سردارمحمدداودخان صدراعظم دیکتاتوری را ازعم کبیرخود یادگرفته بود، شخص پاکنفس ووطندوست بود، ملایک یا پیغمبر نبود، بلکه یک انسان بود و مانند هرانسان دیگر خصلت حب وبغض درنهاد اونهفته وپدیدار بود – حُب اورا میتوان دروجودمرحوم عبدالملک خان مثال داد که یک ضابط لوازم را جنرال و وزیرمالیه، بلکه وزیرمقتدر دو وزارت ساخت ، وبعدا همان وزیر را بدون گناه وخیانت وبدون هیچنوع سند وثبوت بزندان فر ستاد، حتی برادران اورا شکنجه وزجرداد و بزندان "کوته قلفی" فرستاد – مرحوم محمدداودخان دردورۀ قدرت وصدارت ده سالۀ خود کارهای خوبی برای اعمار زیربنای اقتصادی افغانستان انجام داد، ومجبورهم بودکاری بکند وتفاوتی نشان بدهد، زیرا درمدت 27 سال صدارت دو صدراعظم قبلی، وضع اجتماعی- اقتصادی تغییرنکرده بود- محمدداودخان کارهای خوب ومفیدی هم کرد، باراول اقتصاد زیربنایی و پلانگذاری را رشد داد و چهرۀ افغانستان را ازیک کشور نهایت بدوی بیک کشورعقب مانده تغییرداد. بامشاهدۀ وضع اجتماعی و قسما ملوک الطوایفی درکشور، بیک نوع سوسیالزم تحت رهبری خودش عقیده داشت. مرحوم داودخان وطندوستی وخدمت بوطن و اعتلای افغانستان را درانحصارخود ومشخص بخود ونظریات خود میدانست وهیچگاه بفکر تربیۀ زعیم(لیدر) آینده برای افغانستان نبود- درسیاست خارجی خود روش عدم انسلاک و بیطرفی را تعقیب میکرد- خط دیورند رابرسمیت نشناخت و تصویب پارلمان را درزمینه حاصل نمود که بیانگرآمال و احساسات ملت افغان بود - درنتیجۀ این سیاست، مناسبات با پاکستان تیره شده بود ویکبار سفربری را نیزاعلان کرد که با تائید وحمایت ملت استقبال شد- درپکتهای نظامی تحت قیادت امریکا که برای دفاع بمقابل اتحاد شوروی ساخته شده بودند، شامل نشد، اما باهمسایۀ شوروی گرم گرفت و راهِ ورود امتعه ، اسلحه و مشاورین نظامی شوروی را بازگذاشت. مناسباتش با امریکا نه خوب ونه خراب ، بلکه بقسم روز چلانی پیش میرفت. والاحضرت صدراعظم دریک سفررسمی با مریکا دعوت شد که ازلحاظ تشریفات به بسیار گرمی استقبال شده بود، ولی امریکا تقاضا های سیاسی، اقتصادی ونظامی او را نپذیرفته بود، در انجام آن سفر ازبام یک هوتل بلند ومعروف درنیویارک دراثنای شب که چراغان نیویارک را میدید، بیک افغان گفته بود که ازخداوند میخواهم این قدرت ومدنیت را نابود سازد... درینکه مرحوم محمد داودخان یک افغان وطندوست وخواستار ترقی واعتلای کشور درتحت زعامت خودش بود، هیچ جای شک وشبهه نیست، چنانچه باری در دورۀ صدارت خود درحضور دوستان خود چیزهایی ازین قبیل نیز گفته بود که: "این افغانستان درنزد من مانند تخمی است ، یا از آن چیزی میسازم ویا بزمینش پاشان میکنم..." دربالا گفتیم وتکرارمیکنیم که مرحوم سرداراداودخان یک انسان بود، وانسان بحکم خلقت خود از سهو وخطا عاری نمیباشد. مرحوم داودخان صفاتی داشت و خلاها ومعایبی هم داشت.

صدراعظم سرداراداودخان میخواست نظام سیاسی افغانستان را باساس میل وعقیدۀ خود ازطریق تعدیل قانون اساسی تغییربدهد، اما عموزادۀ او ظاهرشاه موافقت نکرد، مناسبات بین دوعموزاده، صدراعظم وپادشاه، تیره شد- داودخان میخواست نظام جدیدی رویکار آید که زعامت (لیدر شپ) آن بخودش تعلق داشته باشد – پادشاه که از 30 سال حکومت خاندانی خسته شده بود، میخواست حکومت خاندانی را خاتمه داده خودش سلطنت کند- عموزاده ها

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

جورنیامدند ودرنتیجه سرداراداود خان با دل پرعقده از عهدهٔ صدارت استعفاء کرد و مدت ده سال بخانه نشست، اما آرام نه نشست، بلکه برای تامین ایدیال خود کارمیکرد- یک همکار دورهٔ صدارت او معروف به داکترحسن شرق، داکتر طب و غریب بچه ای از ولسوالی بالابلوک ولایت فراه که عقیده داشت با دوام سلطنت تحولی درکشور رونما نخواهد شد واز نظام سلطنت خاندانی متنفر وهمفکر داودخان بود، در دورهٔ خانه نشینی مفکورهٔ (کودتا) را بدماغ سردار تزریق کرد و اورا برای سرنگون ساختن نظام 45 سالهٔ سلطنت خاندانی اش تشویق ومتقاعد ساخت – داکتر حسن شرق برای انسجام این کودتا مدت چهار سال کارکرده بود وانتظام، انسجام وپلانگذاری این کودتا دربیرون از خانهٔ سردار توسط داکترحسن شرق صورت گرفته بود، و او توانسته بود 120 افغان ناراض، بشمول منصبداران متقاعد و ضابطان خوردرتبهٔ نظامی را، که چند تای شان در احزاب چپی هم شامل بودند، برای انجام کودتا جلب وراضی سازد. کودتا در غیاب پادشاه، که برای غسل درگِلهای گرم به ایتالیه رفته بود، دراثنای شب موفقانه و بدون تلفات انجام یافت.

سردارمحمدداودخان با لقب (رهبر) نظام جمهوری را درافغانستان اعلان کرد و با کابینهٔ انقلابی متشکل از جوانان کودتاچی، که داکترحسن شرق بحیث منشی کابینه وشخص دوم نظام جمهوری ومعاون صدراعظم موقف داشت، خودش درچوکی ریالست جمهوری نشست. سه سال اول بخوبی وخیریت بنام بیطرفی و استحکام نظام جمهوری گذشت، اما دراثرمساعی احزاب خلق وپرچم و توسعهٔ مناسبات تجارتی و نظامی با اتحاد شوروی، امریکا وکشورهای غربی وهم کشورهای اسلامی متوجه ومشوش بوضع افغانستان شده، رئیس جمهور وبرادرش را (که اگرچه موقف رسمی نداشت، اما سیاست خارجی افغانستان را زیرنظر داشته به برادرخود مشوره میداد) از توسعهٔ فعالیتها ونفوذ بیشتر اتحاد شوروی بطور دوستانه ونرمک نرمک اخطار میدادند. رئیس جمهور خودش نیز فعالیت ونفوذ کمونستها راخوش نداشت ، ولی قدرت جلوگیری آنرا درخود نمیدید، بنابرآن ازراه سیاست بفکراعمار دیوار مدافعوی ازطریق جلب کمک کشورهای اسلامی افتاد ودراولین تماس خود با ایران، بوعده های میان تهی رضا شاه باورنمود- رضاشاه داودخان را ازنفوذ کمونزم درافغانستان اخطار داد و برای مقابله با آن آمادگی نشان داد که درنتیجه قرار داد همکاری استخباراتی با دولت ایران امضاء شد - رئیس جمهورداود خان ازقیامهای تخریبی داخلی، ونه خارجی، بمقابل رژیم خود تشویش داشت وفکر میکرد ایران طرفدار بقای خودش ورژیمش میباشد. داکتر حسن شرق در یادداشتهای خود که در 14 مقاله در پورتال افغان – جرمن آنلاین نشر شده، قرار داد مبادلهٔ استخبارات با ساواک ایران را بیسود، بلکه مضر به افغانستان ومفید به ایران دانسته است. بعداز آنکه ایران تعهدات اقتصادی خود را ایفا نکرد، و سردار داود را همکارانش متوجه ساختند که مبادلهٔ استخبارات با ایران بضرر افغانستان تمام شده، زیرا ایران درآنوقت درجملهٔ اقمار امریکا ودرضدیت با شوروی قرارداشت؛ شوروی با درک همکاری استخباراتی بین ایران وافغانستان، فعالیتها و استخبارات خود رادرافغانستان چند برابر بیشترساخت، چنانچه طرفداران و جاسوسان شوروی بداخل کابینهٔ جمهوریت داودخان راه یافته بودند. رئیس جمهور مجبور شد همکاری استخباراتی با ساواک ایران را ترک وفسخ نماید.

رئیس جمهور محمدداودخان بخاطرتشویشی که از قیام ها وتخریبات داخلی داشت وبمنظور جلوگیری ازآن بیک سلسله اقدامات دیگر نیز متشبث شد ویکعده اعضای کابینهٔ خود را که بداشتن ارتباط وعضویت به احزاب چپی متهم بودند ، ازکابینه بیرون ساخته بسفارت یا کارهای دیگر گماشت. این اقدام بیشتر بضررسردارتمام شد، زیرا اشخاص رانده شده با عقدهٔ بیشتر بعضویت احزاب چپی و (کا.جی.بی.) جذب وشامل شدند، و ازجانب دیگر مناسبانت بین رئیس جمهور ومعاونش نیزتراکت پیدا کرد، زیرا درتصمیم انفکاک اعضای کابینه وهم درتشکیل کابینهٔ جدید ، با معاون صدارت داکتر حسن شرق مشوره نشده بود. رئیس جمهور سیاست خارجی خود را بطورمستقل وبدون مشوره با معاون واعضای کابینه پیش میبرد – این وضع نیز دربین کودتاچیان باقیمانده درکابینه ورئیس جمهور درزی ایجاد کرده بود. رئیس جمهور داودخان که درسالهای اول چندان رغبتی به بهتر ساختن مناسبات خود با امریکا نداشت، زیرامیدانست که امریکا با سیاست خارجی او که تمایل بیشتر بجانب شوروی داشت، موافق نبود، بلکه با دادن کمکهای ناچیز فقط موجودیت خود را بحیث یک سیربین درکابل حفظ میکرد، دفعتا به این فکرافتاد که موجودیت امریکا را درافغانستان ازطریق همکاریهای استخباراتی ، بیشتر فعال سازد، لهذا درماه آگست سال 1976 ، درست سه سال وچهارماه بعد ازتاسیس رژیم جمهوری، که مشکلات و آزرده گیهایی هم دربین کودتاچیان رخ داده بود، ازکیسنجر دعوت کرد تا سفری بکابل داشته باشد - درملاقاتی که بتاریخ 8 آگست درکابل بین آقای کیسنجر ومرحوم محمدداودخان رئیس جمهور افغانستان صورت گرفته، ومتن صحبتهای این ملاقات را آقای فواد ارسلا بسیار خوب ترجمه کرده، نکات بسیار مهم مطرح بحث قرارگرفته که بعضی از آنها را ذیلا ، با اشتراک همه

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

افغانها درداخل وخارج افغانستان، تحلیل ومطالعه میکنیم- درین مصاحبه لغزشها وناتوانیهای رئیس جمهورداودخان رامی بینیم که باوجود کهولت، سیاست وسرنوشت افغانستان راهنوزمنحصربطرزتفکرخودش میداند:
داود: "بعدازملاقات قبلی ما {دونیم سال قبل} کدام تغییربزرگی صورت نگرفته است، اماتحولات مهمی درسطح منطقه صورت گرفته است... یکی ازین تحولات تغییرانی است که در روابط ما با پاکستان وروابط بین پاکستان وهندودستان صورت گرفته است."
(تضاد منطقی: "کدام تغییربزرگی صورت نگرفته... اما تحولات مهمی درسطح منطقه صورت گرفته است" – افغانستان درین منطقه شامل است، چنانچه رئیس جمهور به " روابط ما با پاکستان..." اشاره میکند. هاشمیان)
داود: من میخواهم برای شما توضیح کنم منحیث یک مقدمه که برای من رفتن به پاکستان یک کار مشکلی است، بخاطریکه درحال حاضر اعضای حزب عوامی نیشنل لیک {زعمای پشتون} درپاکستان محبوس استند و دولت آنها {پاکستان} افغانستان را متهم ساخته است که با همکاری این اشخاص توطئهٔ درهم شکستن پاکستان را ریخته ایم... بناءً برای من مشکل است که به آنجا بروم... درهرصورت ما به آنجا خواهیم رفت..."
(تضادمنطقی: " رفتن من یک کارمشکلی است ... برای من مشکل است به آنجا بروم... درهرصورت ما به آنجا خواهیم رفت..."
داود : "ما میدانیم که اضلاع متحده امریکا یک قدرت بزرگ است و توانایی بین المللی در استخبارات دارد... ما خوشنودخواهیم بود اگرشما ما را از آن تحوالات درمنطقه باخبرسازید که تاثیرمنفی درامنیت ممالک منطقه خواهد داشت."
(مقصد داودخان بزبان دیپلوماسی اینست که از تشبثات واستخبارات شوروی درمنطقه ، یعنی درافغانستان، ازطریق استخبارات امریکا باخبرشود !)
کیسنجر: "جناب نعیم این درخواست شما را درواشنگتن مطرح کرد وما اساسا برای همکاری دراین مورد آماده استیم."
داود : " من میخواهم اضافه کنم که درمنطقهٔ ما انواع مختلف منافع وایدایلوژی ها بایکدیگر دراختلاف استند، وزمانیکه این منافع وایدیا لوژیهای مختلف درتماس میشوند، همیشه مشکلات بوجود می آید. بناءً من فکر میکنم توانائی هایی که شما دراختیار دارید بمراتب بزرگتر وکاملتر ازوسایل وتوانایی هایی که ممالک کوچک دراختیار دارند..."
(مقصد داودخان اینست تابه کسینحر بفهماند که ایدیالوژی کمونیزم درافغانستان رخته کرده ودولت افغانستان قدرت مقابله با آن راندارد ومیخواهد از توانایی استخبارات امریکا بمقابل شیوع کمونزم درافغانستان استفاده کند. هاشمیان)
کیسنجر: " شما زیاده تر درموردکدام خطر مشخص پریشان استید، تهاجم وحمله بخاک شما ؟ اگرمن تذکرات جناب رئیس جمهور رادرست فهمیده باشم، هردو خطرات امنیتی وداخلی را دربرمیگیرد."
داود: " بلی هردو، خارجی وداخلی."
(توضیح هاشمیان : رئیس جمهور داودخان درصحبت خود درچند جا به بیطرفی افغانستان و عضویت درحلقهٔ عدم انسلاک پابندی واصرار میورزد و مهمترین نکته دربیانات داود خان درین باره درخطاب ذیل به کسینجردیده میشود :)
داود: " درارتباط به سیاست خارجی، که البته شما درآن مورد معلومات دارید، من میخواهم بگویم که ما به شدت {بی نهایت} به پالیسی عدم انسلاک پابند استیم. واین کمک را دوستانه {زشما} به اساس همان پالیسی عدم انسلاک کرده ایم، وامیدواریم که شما اهمیت این پالیسی را برای ما در نظربگیرید."
کیسنجر: "ما هیچ منفعتی درمختل کردن این پالیسی نداریم."
(توضیح هاشمیان: نکتهٔ باریکتر ازمودرجهان سیاست درینجاست که جناب رئیس جمهور ما، ازیکطرف علاقه، پابندی و وفاداری شدید خودر ا به بیطرفی وپالیسی عدم انسلاک اظهار میدارد، ازجانب دیگرازموجودیت ایدیالوژیهای مختلف درکشور خود تشویش نشان میدهد، ازجانب دیگر ازخطرات به امنیت خارجی وداخلی کشورخود پریشان است، ودرنهایت ازامر یکا برای مقابله با این خطرات، تقاضای کمک استخباراتی میکند : از امریکایی که درظرف سه سال گذشته درمورد ادعای بیطرفی افغانستان ودرعین زمان نزدیکی بسیار گرم ودوستانهٔ آن با اتحادشوروی چندباراخطارداده؛ سفارت ودولت امریکا از نفوذ روزافزون کمونیزم وکمونستها چندبارخبرداده واظهارتشویش کرده است، وحالا که وضع بدینموال گرائیده، ازامریکا تقاضای کمک استخباراتی میکند !
تقاضای کمک استخباراتی از امریکا چه معنی دارد وچطور تطبیق شده میتواند ؟ اگرامریکا استخبارات خودرا

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

درافغانستان پیاده کند، این اقدم چنین معنی دارد که درافغانستان راسا ومستقیما با (کا.جی.بی.) درمقابله قرارمیگیرد ! آیا امریکا میخواهد و میتواند با (کا.جی.بی.) درافغانستان مقابله کند؟ جواب هردو سوال منفی است . امریکا قبلا در دورۀ صدارت محمدداودخان ازخطرات کمونزم به افغانستان خبرداده وتقاضاکرده بودکه درپکتهای نظامی امریکا شامل شود- افغانستان جواب رد داده و راه بیطرفی وعدم انسلاک را پسند کرده بود- بنابرین امریکا بحیث یک سیربین درکابل نشسته بود – اگرچه کیسنجر ازلحاظ دپلوماسی وعدۀ همکاری استخباراتی را به داودخان میدهد واین همکاری را مختص ومحدود به پیغام شفاهی به نمایندۀ رئیس جمهور میسازد، اما باید ازخود بپرسیم که ازیک پیغام شفاهی امریکا که مثلا شوروی چنین یا چنان درنظردارد، د ولت ناتوان جمهوری داودخان که درنفس ونهاد آن کمونستها رخنه کرده بود، از دست وقدرت رئیس جمهور چه ساخته شده میتوانست ؟؟؟

اما جواب عمیق اصلی ودپلوماسی کسنجر درمعنی این جمله اش موجوداست که بجواب داود خان گفت : " ما هیچ منفعتی در مختل کردن این پالیسی نداریم." : یعنی، ما هیچ منفعنی درمختل کردن پاللیسی بیطرفی وعدم انسلاک شما نداریم، یعنی شما را میگذاریم با همین وضعی که خود شما شرح دادید، چونکه شما اشد علاقه و ضرورت خودرا به بیطرفی اظهارنمودید، ماهم نفع خود را درهمین وضع می بینیم ، اگرکدام خطری دربارۀ امنیث خارجی وداخلی شما احساس کردیم، بشما خبرمیدهیم- بلی همین بود جواب کیسنجرکه داودخان معنی آنرا نفهمید، ویکسال بعد ازین ملاقات با همان خطری(کودتای کمونستی) مواجه شد که حتی سفارت ودولت امریکا هم از آن خبرنداشت).

مرحوم داکترصمدحامد درصحبتی درخانۀ داکترمحمدیحیی رشید درلاس انجلس گفت که امریکا خوب میدانست افغانستان دیریازود درتسلط شوروی قرارمیگیرد وهدف امریکا نجات افغانستان ازچنگال شوروی نبود وقدرت آنرا هم نداشت که مانع اشغال شود، هدف اصلی امریکا این بود که بعدازاشغال افغانستان توسط شوروی، انتقام ویتنام را درتباهی وبربادی روسیه شوروی بگیرد... اوگفت که نظریات خود را به رئیس جمهور داودخان هم نوشته بود.

مرحوم محمدداودخان آرزوهای خوب و رواداری های زیاد بکشورش داشت، اما نقطۀ ضعیف او این بود که قدرت رامنحصر بشخص خود میخواست وهمین خصلت اورا همکاران کودتاچی او متوجه شده، ازاوجد اشدند. درملاقات با کیسنجر معاون رئیس جمهور که نمایندۀ کودتا چیان بود حضور نداشت، اما ازجریان صحبت ومطالبات هردو طرف خبرشده بودند. چهار نفری از وزرای سابق را که من میشناسم و در اروپا وامریکا با آنها صحبتها داشته ام، مرحومین داکترعلی احمدخان پوپل، داکتر صمدحامد، عبدالرحمن پژواک وسیدشمس الدین مجروح، اینها از طرز سلطنت ده سال اخیر (دورۀ دیموکراسی) پادشاه عدم رضائیت وشکایت داشتند - ایکاش سرداراودخان این ناراض ها را هم بدورخود جمع میکرد و درحکومت وکابینۀ خود شامل میساخت – داودخان درمدت پنجسال ریاست جمهوری خود وزیرخارجه انتخاب و مقررنکرد، درحالیکه برادرش مرحوم محمدنعیم خان وعبدالرحمن پژواک ، این دو دپلومات بسیار ورزیده وآزموده، دراختیارش قرار داشت- وزارتخارجه را توسط یک شخص مغرور وباتوک اداره میکرد که بقول وعقیدۀ سردارمحمدنعیم خان اهلیت سکرترسوم یک سفارت را داشت. جوان بچۀ بی تجربه و بیکفایت دیگر را بحیث معاون وجانشین خود تعین کرد ، وزیردفاعش یک لوامشرمتقاعد، بی کفایت ورشوت خوربود – سردارمرحوم دردورۀ صدارت وهم دردورۀ جمهوری بفکر آیندۀ مملکت وپرورش اشخاص منور وروشنفکر برای زعامت ولیدرشپ برای آیندۀ مملکت نبود، بلکه خودرا منشاء ومرکز تحرک درکشور میدانست . مرحوم ظاهرشاه نیز در40 سال سلطنت خود بفکر آینده وزعامت آینده درکشور نبود. گویا این خاندان باین ضرب المثل اردو عقیده داشتند که "لَـک آوی، لَـک جاوی".

مرحوم محمدظاهر شاه و مرحوم محمدداود خان هرچه کردند یا نکردند گذشت، برای هردو بخشایش خالق بی نیاز وبهشت برین را مسئلت میکنم – دربین اعضای این خاندان مرحوم سپه سالار شاه محمودخان کمتر ضررش وبیشتر نیکی وخیرش بمردم رسیده است- الله (ج) او وهم سردارمحمدنعیم خان را شامل رحمت وبخشایش خود گرداند. اکنون آنها بزیرخاک خفته اند وجبهه گیری افغانها برلۀ یکی وعلیۀ دیگری بیسود وضیاع وقت است، دَین ومکلفیت ما بملت افغان اینست که حقایق مربوط به رویدادهای گذشته را به نسل کنونی ونسلهای آینده بگوئیم وبرسانیم. نیت وهدف من درین مقال اظهار حقایق بوده، نه جبهه گیری- این قلم به این عقیده است که هرافغان باید حق را بگوید وازحق وحقیقت دفاع کند - دعا و آرزوی ما افغانهای مهاجر درچند قارۀ دنیا اینست که همین سرزمین کوچکی که درمرکز قارۀ آسیا بنام افغانستان باقی مانده، سلامت وپایدار بماند – آمین یا رب العالمین.

یوسفی کن گرت اسباب مسیحایی نیست
به فلک گر نرسیدی، بُن چاهی دریاب

خدمتگار افغانستان – سیدخلیل الله هاشمیان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ